

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیستمین همایش ملی حکیم ملاصدرا در آخرین روز اردیبهشت ماه سال جاری با عنوان «فلسفه در مواجهه با فضای مجازی» با حضور استادان و دانشجویان و علاقمندان به مباحث فلسفی برگزار شد. درباره ماهیت و تأثیرات عالم دیجیتال و دنیای سایبری به غیر از انبوه آثار و اظهارنظرها در زبانهای اروپایی، نوشته‌ها و تحقیقات نسبتاً متنوعی نیز به زبان فارسی صورت گرفته است. بیشتر این نوشته‌ها و اظهارنظرها متوجه تغییرات و دگرگونیهای حاصل از گسترش این فضا در روح و روان، هنجارها، کنشها و بطورکلی تمامی شئون حیات آدمی است و اینکه دامنه این دگرگونیها حد و مرز نمیشناسد. امروزه نگرانی صرفاً درباره نسل جوان و تقلید از الگوهای جدید زیست-فرهنگی و اجتماعی آنان نیست، بلکه سخن از تجربه‌ی فراگیر از درک و حضور در عالمی خیال‌انگیز در سطح تمامی طبقات و سنتها و فرهنگهاست که شاکله‌های خود را سوار بر امواج ماهواره‌ی به اعماق زندگی و حتی خلوت طبیعی انسانها - بدون برخورد با هیچ مانعی - میفرستد. این میهمان را نه میتوان خواننده خواند و نه ناخوانده، زیرا بتدریج از مقوله انتخاب و اختیار به مقوله ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی ما تبدیل شده است.

بظاهر تبیین موضوع ذیل عنوان متداول چالش و فرصت و ادبیات مربوط بدان برای مخاطبان بویژه متخصصان و اهل نظر چندان تازگی ندارد و در نگاه آنان بعضاً ۵ ملال‌آور هم بنظر می‌آید؛ بگونه‌ی که تقریباً نه تنها مناظر و گفتمان جامعه‌شناختی و فرهنگی بلکه حتی اذهان عمومی نیز به لوازم این معنا آشناست؛ آنچه دست‌کم در میان اهل فلسفه و نظر اولویت مییابد، خوانش و بازیابی موقعیت انسان امروز در معادله‌ی است که اغلب یا تمامی نسبتهای آن بالمجاز است نه بالحقیقه. انتخاب واژه «مجاز» در فارسی - معادل واژه «سایبر» اصالتاً یونانی - شاید دقیقترین معادل‌یابی باشد، زیرا در دلالت این لفظ نوعی تقابل با واقع مندرج است. حال این



مجاز چگونه مجازی است و آیا آینده این عالم، وداع قطعی با عالم واقع است؟ طرح پرسشهایی نظیر این پرسش، ضرورت دارد.

از سوی دیگر اکنون بنظر میرسد که پرسش یا پرسشهای فراروی ما نیز بسرعت امواج دیجیتال تغییر میکند و موقعیتهای جدید، مجال استقرار و اسکان و حتی فهم و موانست با موقعیتهای قبلی را میگیرد. موتورهای جستجو، پایگاهها، لینکها، صفحات و داده‌ها کثرتی را به کاربران عرضه میکنند که در مواردی، فرصت انتخاب میان داده‌ها را نیز سلب کرده و کاربر را بسمت و سویی معین و غیرارادی میکشانند. با علم به این «انتخاب گریزناپذیر» چگونه میتوان به این پیکر سنگین تکنیکال، روح و جوهری متفاوت تزریق کرد؟ این امکان را باید در سطحی نظری و فلسفی مطالعه و ملاحظه کرد و فلسفه در این معنا و در این مقام طلب میشود؛ بخصوص که فرهنگ ایرانی - اسلامی ما مجهز به الگویی خاص از زیست اخلاقی و جمعی و مشتمل بر نگاهی متفاوت به آینده است. قدر مسلم این آینده با طرح تاریخ‌انگاران عالم مدرن، همخوانی ندارد و آینده عالم را هم ایصال به آخرین ایستگاههای مدرنیته نمیداند و لاجرم در عرضه الگوی زیست امروز و اینجا نیز خود را توانا مبیند. این توانایی را باید آگاهانه و عالمانه به نسل امروز شناساند و ظرفیتهای حقیقی آن را به اشکال مختلف معرفی کرد. این معنا را نباید دست کم گرفت که نقش تاریخی و تمدن‌ساز تعلیمات و حیانی - بویژه در این سرزمین - همچنان ناشناخته است؛ تا رسیدن به این خودآگاهی راه درازی در پیش است. آفت بزرگ در این مسیر، اعتقاد ایدئولوژیک به قهر و غلبه تاریخ غربی بر عالم و باور به تقدیر اجتناب‌ناپذیر غربی شدن عالم است. اگر گفته شود که سیر آفاقی در جهت گذار از این عالم ناممکن است، اما بی‌شک بمدد سیر انفسی، تأمل و سیر در امکانات بیشمار هستی برای هر صاحب خردی همیشه فراهم است؛ آنهم نه سیری خیالی و وهمی، بلکه سیری خردمحور و واقع‌نگرانه. اولین گام در این راه، آزاد شدن از باور تحمیلی برآمده از هیستوریسیسم و قیود و لوازم آن است که ناخواسته در ضمیر برخی عالمان عصر نیز مستقر شده است. این معنا متضمن دعوت و تذکری است که بی‌تردید به گشایش آفاقی نو می‌انجامد.

سردبیر

